

اولین پیش شرط رهایی زنان در ایران، سرنگونی حکومت اسلامی است

مریم نمازی

متن زیر ترجمه و تلخیصی از سخنرانیهای مریم نمازی، دبیر همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی است که به مناسبت روز جهانی زن در لس آنجلس و تورونتو ایراد گردید.

تصور کنید در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که دولت، قوانین و اصول اسلامی و آیات قرآن با تکیه به نیروهای مسلح و سرکوبگر بر زندگی شما حاکم می‌راندند. بگفته قرآن مردان بر زنان افزونی و برتری دارند. (سوره بقره، ۲ آیه ۲۲۸) زنان درستکار آنانی هستند که فرمانبردار هستند، و مردانی که از بی‌وفایی و بدرفتاری زنان بیبمانند، باید آنان را موعظه کنند، از خوابگاه آنان دوری گزینند، و آنها را کتک بزنند. (سوره نسا ۴ آیه ۳۴) بگفته قرآن زنان کشتزار مردان هستند، که هر زمان و هر چقدر که می‌خواهند می‌توانند به آنان نزدیک شوند. (سوره بقره، ۲ آیه ۲۲۳) تصور کنید در کشوری زندگی می‌کنید که با گفتار و کردار یک پدوفیل همچون محمد، پیغمبر اسلام، اداره می‌شود. محمد زمانی عایشه را به "عقد" خود در آورد که این کودک فقط ۹ سال داشت و او آنقدر کوچک بود که محمد با او بازی و او را قلمدوش می‌کرد. محمد، زنان را به کمبود فهم متهم کرده و در آخرین وصیتش صلاحیت زنان را برای مشورت و قضاوت منکر می‌شود. یک لحظه تصور کنید که در ایران زندگی می‌کنید، جایی که می‌شود به حکم قانون دختران ۹ ساله و در صورت اجازه پدر حتی جوان‌ترها را تحت نام ازدواج مورد تجاوز جنسی قرار داد، جایی که شوهر می‌تواند در صورتی که کار کردن همسرش را "مغایر با شان و آبروی خانواده" بداند از شاغل بودنش جلوگیری کند. و زنان در بسیاری از رشته‌ها حق تحصیل ندارند. برای سفر زنان، اجازه شوهر لازم است.

زنان در اکثر مواقع فاقد حق طلاق اند، حق سرپرستی دراز مدت از کودک را ندارند. و خشونت علیه زنان قانونی است. در ایران بخاطر همجنسگرایی زنان را اعدام می‌کنند و زنان بخاطر روابط آزاد جنسی خارج از ازدواج سنگسار می‌شوند. تصور کنید که در کشوری زندگی می‌کنید که آپارتاید جنسی حاکم است و بخاطر اینکه زن هستیید باید در مدارس، مراکز دولتی، اتوبوسها، و حتی دریا از مردان جدا باشید و هر موقع که از خانه بیرون می‌آیید، باید حجاب سر کنید. دولت اسلامی و قانون جاری در تمام ابعاد زندگی شما دخالت می‌کند و حکم می‌راند. در این شرایط، نوع موسیقی ای که گوش می‌دهید، لباسی که می‌پوشید و کسی که با او رابطه جنسی دارید، به یک عمل اعتراضی بر علیه رژیم و اسلام تبدیل می‌شود. حتما شما در مقابل این ارتجاع مقاومت می‌کنید، همانطور که زنان و مردم در ایران با وجود اینکه هر تخطی و اعتراض با زندان، شکنجه، شلاق، سنگسار، خشونت، و سرکوب پاسخ می‌گیرد، هر روز مبارزه شان ابعاد وسیع‌تری بخود می‌گیرد. "فمینیستهای" اسلامی می‌گویند در کشورهایی که قوانین اسلامی به اجرا در می‌آیند، مشکل خود اسلام نیست بلکه تعبیر بد از اسلام است. آنان تعبیرهای بقول خودشان "پیشروتر" ارائه می‌دهند که ثابت کنند اسلام "عادلان" است. مثلا می‌گویند قرآن فقط بعد از موعظه کردن و بازداشت خانگی اجازه می‌دهد که مرد زن را کتک بزند. آنان می‌گویند این یک پیشرفت است، چون قبلا مردان بیرحمانه زنان را می‌زدند و قرآن دارد آنان را محدود می‌کند که با رحم زنان را بزنند. (نقل از سازمان زنان تحت حاکمیت قوانین اسلامی از کتاب "زنان به تفسیر خود قرآن را می‌خوانند") در آیه ای که می‌گوید زنان کشتزار مردانند، می‌گویند این مثبت است چون

قرآن تمایلات جنسی را چیز طبیعی می‌داند (همان منبع) که البته تمایلات جنسی مردان مد نظرشان است. یا در مورد اینکه زنان نمی‌توانند قاضی باشند و مورد مشورت قرار گیرند، یک ملای "فمینیست" ساکن قم به نام مستعار یک زن در مجله زنان نوشته است: فرض کنید در سیرات دیگر زنان قوی‌تر و داناتر از مردان هستند، آیا تحت آن شرایط نباید این حکم تغییر کند و ما حق نداریم آن را رد کنیم؟ از نظر این شخص باید در کرات دیگر دنبال زنان دانا و

دو سال گذشته بعنوان اعمال اراده مردم نام ببرند، نمایشی که از میان ۲۳۸ مرد مرتجع مسلمان تنها ۴ تن بعلت وفاداری‌شان به حفظ جمهوری اسلامی بعد از گذشتن از سد خامنه‌ای و شورای نگهبان توانستند در آن شرکت کنند، که یکی از آنها وزیر سابق سانسور رژیم یعنی خاتمی بود. در ضمن می‌گویند در دوره خاتمی "رژیم" صورت گرفته است. تحت ریاست او، مطبوعات دولتی را از نوشتن در مورد حقوق زنان بیرون از قوانین اسلامی منع کرده‌اند،



قوی گشت نه روی زمین. این باصطلاح "فمینیستهای" اسلامی با همدستی دولتهای غربی، مطبوعات آنان، و "آپوزیسیون" پروخاتمی، طرفدار حقوق زنان نیستند، بلکه با حقانیت بخشیدن به اسلام و حکومت اسلامی، متکی بر تئوری نسبییت فرهنگی، مدافعین و محافظین جنایات علیه زنان هستند. چرا وقتی در مورد ایران صحبت می‌کنند، این مدافعین جمهوری اسلامی شرایط زنان در ایران را با کشورهای همسایه مقایسه می‌کنند؟ آنان می‌گویند شرایط زنان در ایران بهتر است، حداقل می‌توانند رانندگی کنند در مقایسه با عربستان سعودی، یا حداقل در مجلس اسلام زنانی هستند که نماینده می‌باشند. (در صورتی که این زنان احکام ضد زن را به اجرا در می‌آورند.) از نسبییت فرهنگی استفاده می‌کنند تا از "انتخابات" ریاست جمهوری

جداسازی در بیمارستانها تصویب شده است، و زنان همچنان سنگسار می‌شوند، شلاق می‌خورند، زندانی و سرکوب می‌شوند و حق تشکل و اعتصاب همچنان ممنوع است. چرا در اتریش وقتی جدیداً یک حزب فاشیستی به قدرت رسید، دولتهای غربی آن کشور را تحریم کردند، اما در ایران ۲۱ سال فاشیزم مذهبی حاکم است و آن را "دموکراسی اسلامی" می‌نامند؟ چرا وقتی دول غربی شرایط زنان در ایران را مقایسه می‌کنند، آن را با شرایط زنان در فرانسه مقایسه نمی‌کنند؟ برای اینکه هر چقدر زنان بی‌حقوق‌تر باشند، برای سرمایه بهتر است. در این نظام، تقسیم بین انسانها، منجمله تقسیم جنسی، تضمین می‌کند که پائین نگاهداشتن سطح زندگی مردم مقدور گردد. در ضمن، برای اینکه اسلام حفظ شود، زنان بیش از هر بخش از

جامعه باید در اسارت باشند. اگر شرایط زنان در ایران را با فرانسه مقایسه می‌کردند و زنان برای یک لحظه بدون حجاب از خانه بیرون می‌آمدند، جمهوری اسلامی سرنگون می‌شد چون یکی از پایه‌های مهم حفظ جمهوری اسلامی حجاب زنان است. این خود دولتهای غربی بودند که برای منافع اقتصادی و جنگ سردی خود و برای سرکوب رادیکالیسم در ایران، اسلام سیاسی را مورد حمایت و تقویت قرار دادند. آنان کمک کردند جمهوری اسلامی ایران یک واقعیت سیاهی را بر زندگی میلیونها انسان تحمیل کنند. و نشان داده‌اند که دست به هر کاری می‌زنند که از منافع هم طبقه‌ای خود در ایران دفاع کنند. دولت آلمان رویا مصیبی را برای استرداد کردن به ایران کتک می‌زند تا حجاب اسلامی سر کند، و وقتی مصیبی به دادگاه شکایت کرده، رای دادگاه این است که پلیس آلمان مطابق قانون عمل کرده است. چون رویا مصیبی در ایران بدنی آمده است باید بخاطر مذهب قرون وسطائی و وحشی حجاب سر کند، کتک بخورد و سرکوب شود.

در ادامه تلاشهایشان برای حفظ حکومت اسلام، دولتهای غربی می‌گویند که اعتراضات رو به رشد در ایران در حمایت از جناح خاتمی در تقابل با جناح خامنه‌ای می‌باشد. امروز خلخال جلا، که ظرف ۱۵ دقیقه به ۲۲ نفر در سقر حکم اعدام داد "رفرمیست" نامیده می‌شود و خاتمی که سالها وزیر ارشاد بوده و کتاب، فیلم، مطبوعات، و موسیقی غیر رژیم را قذغن کرده بود، امروز "رفرمیست" و "دمکرات" نامیده می‌شود. نباید از یاد برد که این جنایتکاران تغییر نکرده‌اند، بلکه وضعیت در ایران تغییر کرده است. در واقعیت، جنگ جناحها نتیجه شرایط بحرانی در ایران است. با وجود سرکوب، با وجود بمباران دائمی برای حقانیت

سخنرانی مریم نمازی دبیر فدراسیون تحت عنوان (موقعیت زنان و حقوق بشر در ایران) در دانشگاه ویکتوریا با استقبال گرمی مواجه شد

عباس محمدی

سخنگوی کانون ایرانیان
کانادایی ویکتوریا،
سازمان عضو فدراسیون

عصر پنجشنبه بیستم ژانویه ۲۰۰۰، مریم نمازی در ساختمان اتحادیه دانشجویان دانشگاه ویکتوریا بزبان انگلیسی سخنرانی کرد. قریب به ۲۰۰ تن شرکت کننده در این جلسه با علاقه و به دقت به اطلاعات و نکات مطرح شده در سخنان وی توجه کردند. مریم نمازی طی سخنان خود تصویر جامعی از شرایط زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را به حاضرین ارائه داد. اشاره به سیاسی شدن هر حرکت مردم، دخالت رژیم در خصوصی ترین امور شخصی شهروندان، شکنجه مخالفین و اعدام ۱۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ زندانی، اجرای نمایشهای انتخاباتی و تشریح بی حقوقی زنان، کارگران، دانشجویان، جوانان، پناهندگان و مهاجرین و عموم مردم ایران از دیدگاه سوسیالیستی، دریچه جدیدی برای نگاه به مسائل ایران در مقابل حصار قرار داد. شرکت کنندگان بوضوح تفاوت اطلاعات ارائه شده توسط سخنران و آنچه رسانه‌های رسمی در مورد ایران تبلیغ میکنند را ملاحظه نمودند. سخنران با برشمردن واقعیات مبارزات حاد و رودرروی مردم در عرصه‌های مختلف کار، خانه، مدرسه، خیابان و زندان با رژیم جمهوری اسلامی، پرده از ریاکاری دولتها و میدیای وابسته به آنان در القای این تصور که گویا دولت خاتمی ناجی مردم جان به لب رسیده ایران است، برداشت.

مریم نمازی با اشاره به جنبش سرنگونی طلب در ایران، به نقش

غرب در تلاش برای حفظ جمهوری اسلامی در مقابل خواست مردم برای سرنگونی آن پرداخت و در خاتمه از شرکت‌کنندگان خواست که از مبارزات مردم ایران پشتیبانی و از حقوق پناهندگی آنان در خارج دفاع کنند.

شرکت کنندگان بشدت تحت تاثیر سخنرانی قرار گرفته و فعالانه در بخش پرسش و پاسخ به ابراز نظر و طرح سئوالات پرداختند. ترکیب شرکت کنندگان متنوع بود. تنی چند از نمایندگان شورای کارگران شهر، استادان و دانشجویان بخش زنان دانشگاه، فعالین اجتماعی و سیاسی شهر، خبر نگاران یک رادیو و یک نشریه محلی در سالن حضور داشتند. اجرای موسیقی توسط گروه زنان (ویرگو رازیننگ) در فاصله دو بخش برنامه نیز به تنوع و جذابیت برنامه افزود. سخنرانی مریم نمازی در ویکتوریا یک موفقیت برای مخالفین جمهوری اسلامی و سرفصل جدیدی برای همستگی بیشتر فعالین اجتماعی این شهر با مبارزات مردم ایران برای آزادی و برابری خواهد بود.

سازمانهایی که از سخنرانی مریم نمازی در ویکتوریا پشتیبانی کردند عبارت بودند از: اتحادیه دانشجویان دانشگاه ویکتوریا، شورای کارگران شهر ویکتوریا، سازمان چند ملیتی ای سی ای، مرکز زنان در دانشگاه، سازمان مسائل نژادی، سازمان زنان دانشکده حقوق، مرکز تحقیقات مردمی، اتحادیه کارگران اتومبیل سازی لوکال ۳۳۳ و ۱۹۸۰، اتحادیه کارگران شهرداری لوکال ۵۰ و ۳۸۸، اتحادیه کارگران پست، دفتر فدراسیون در ونکوور، کمیون زنان در ونکوور، پرشین کلاب، فعالین انترناسیونال سوسیالیست و کانون ایرانیان کانادایی ویکتوریا. ■

گزارش فعالیت‌های دفتر اسن - آلمان در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰

شهلا خباز زاده
دبیر واحد اسن

واحد اسن در ماه اوت سال ۹۸ تشکیل شد و در حال حاضر بیش از ۳۰ عضو دارد. واحد اسن اولین فعالیت خود را با حضور در کاروان اعتراضی در ماه اوت ۹۸ آغاز کرد و سه روز در این کاروان شرکت کرد، در شهر اسن با گروه آلمانی SI ارتباط برقرار کرده و دو آکسیون مشترک بر علیه دیپورت در مرکز شهر و در مقابل اداره خارجیان برگزار کردیم. در ماه دسامبر ۹۸ دفتر دورتموند SPD را در شهر دورتموند اشغال کردیم. در ماه ژانویه و ماه فوریه ۹۹ تحصن یک روزه و سه هفته ای بوخوم را با واحد دورتموند برگزار کردیم. در ماه آوریل ۹۹ تدارکات جلسه فعالین در شهر بوخوم را داشتیم، از شروع جنگ یوگسلاوی در تمام تظاهراتی ضد جنگ که گروههای آلمانی در شهر اسن برگزار می‌کردند شرکت کرده و اطلاعاتی های فدراسیون را بخش کردیم. در ماه مه در جشن جهانی دو روزه که بیش از صد سازمان از کشورهای مختلف شرکت کرده بودند و در شهر گلزنکریشن بود شرکت

کردیم و در محوطه با ارائه اعلامیهها، نشریات، کتابها و پلاکاردهای فدراسیون حضور خود را در این تجمع اعلام کردیم و تعداد زیادی اعلامیه و نشریات به دست علاقمندان رساندیم. در ۱۵ سپتامبر همراه با دیگر گروههای آلمانی در مقابل دادگاه گلزنکریشن تظاهرات اعتراضی بر علیه دیپورت پناهجویان سازماندهی و برگزار کردیم. در تحصن یک هفته‌ای مونستر شرکت و حضور فعال داشتیم و در ماه دسامبر ۹۹ تظاهرات دیگری را در شهر بوخوم به همراه دیگر گروههای آلمانی بر علیه دیپورت و وضعیت بد زندگی پناهجویان برگزار کردیم. دفتر اسن هر ماه دو بار بطور مرتب برای مراجعین باز بوده است. تا بحال چند بار به مراکز معرفی پناهجویان و نیز هایم اول رفتیم و با پناهندگان صحبت کردیم. آنها واقعا به وجود ما برای راهنمایی احتیاج دارند و با اعتماد به ما از ما استقبال می‌کنند، حتی خود آنان با ما تماس گرفتند و دعوت کردند که برای راهنمایی آنها و آشنایی با فدراسیون به هایم آنها برویم. تا بحال چندین مورد به کیس شخصی پناهندگان رسیدگی کردیم، چندین مورد راهنمایی حضوری و تعداد زیادی تماس تلفنی با کسانی که متقاضی پناهندگی بودند و خواستار راهنمایی از طرف فدراسیون شدند، داشتیم. ■

اولین پیش شرط رهایی زنان در ایران، سرنگونی حکومت اسلامی است

از صفحه ۵

در ضمن واضح است که تعبیر دیگری از قرآن و اسلام، زن را رها نمی‌کند. نمی‌شود چیزی که ضد زن و ضد انسانی است را انسانی کرد. خاتمی نمی‌تواند آزادی و برابری و حتی رفم بیاورد. خود مردمند که رفم، آزادی و برابری را با زور در خیابانها بدست می‌آورند.

هدف "فمینیستهای" اسلامی، دولتهای غربی، مطبوعاتشان، "پوزسیون" پرخاشی و جمهوری اسلامی این است که به ستم علیه زنان حقاقت بخشد، زنان را با شرایط تحمل ناپذیری که تحمیل کرده‌اند راضی کنند و مبارزه زنان و مردم برای آزادی و برابری را منحرف کنند. مدافعین این رژیم کثیف از هر امکانی استفاده می‌کنند که رژیم اسلام را حفظ کنند، بخصوص چون مبارزه زنان و مردم برای سرنگونی این رژیم رو به رشد است. ما که آزادیخواه هستیم، ما که برابری طلبیم، ما که معتقدیم زنان در ایران لیاقت زندگی انسانی را دارند، ما هم باید از همه امکانات استفاده کنیم تا صف آزادیخواهان و برابری طلبان در نابودی جمهوری اسلامی تقویت شود. در حالی که آزادی و برابری مطلق فقط با اتمام استثمار طبقاتی ممکن است، اولین پیش‌شرط برای رهایی زنان نه فقط در ایران بلکه در تمام کشورهای که قوانین اسلامی بر زندگی مردم حاکم است، سرنگونی جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی است. ■

بخشیدن به جمهوری اسلامی و با وجود استفاده از نسیت فرهنگی برای انکار کردن حقوق پایه‌ای زنان، زنان و مردم ایران هر لحظه دارند مبارزه میکنند. جنبش زنان هیچ گاه تا این حد قوی نبوده است. در اعتراضات تیر ماه، معترضین که خیلی از آنان زنان جوان بودند، به سبلمهای این حکومت حمله کردند - بانکها، مساجد و ملاها. حتی دانشجویان زن در قم علیه جداسازی آموزشی اعتراض کرده‌اند و تاکسی‌ها دیگر در صورت امکان ملاها را سوار نمی‌کنند. چند وقت پیش یک نماینده مجلس که طبعاً ملا هم بود دلیل دیر رسیدن به مجلس را اینطور گفت که بخاطر لباسش نمی‌توانست تاکسی گیر بیاورد و مجبور شد به خانه برگردد و لباسش را عوض کند! این فضای حاکم بر ایران است. ریشه این اعتراضات در این است که دولت اسلامی با خواسته ها و نیازهای مردم در تضاد است. اگر فرضا گشایشی هم در ایران بوجود آمده است، این نه بخاطر خاتمی بلکه بخاطر مقاومت هر روزه مردم است. گفتن اینکه این گشایش بخاطر خاتمی است نادیده گرفتن مبارزات و خواسته‌های مردم برای یک زندگی بهتر و برای آزادی و برابری است. راه خلاص شدن از نابرابری و بی‌حقوقی زنان در ایران چیست؟ مسلماً یک جنگ علیه بنیادگرایی راهش نیست چون این جنگ فقط تلاش میکند که خشم مردم علیه کلیت مذهب را خنثی کند.